



عبدالرسول دیوسالار:

اساساً دکترین نظامی ایران بر این اصل استوار است که چگونه تهدیدهای آمریکا و تهدید اسرائیل را حذف کند؛ به این معنا که ایران از ابتدای سال‌های ۱۳۷۰ به بعد یعنی پس از جنگ ایران و عراق تمرکزش بر تقویت نظام بازدارندگی با این هدف بود که دیگر معتقد این تصمیم استراتژیک یعنی عدم ورود به جنگ‌ها به عنوان یک تصمیم کلیدی در ساختار نظامی جمهوری اسلامی ایران تغییر نکرده است و البته نگرانی‌ها نیز در این حوزه رفع نشده است.



نمی‌توان به آن‌ها استناد کرد». این تحلیلگر روابط بین‌الملل همچنین در تشریح این موضوع که با توجه به تعاریف مرتبط با «استراتژی بازدارندگی فعال» مفاهیمی همچون حمله پیش‌دستانه جایگاهی در دکترین نظامی ایران ندارد؛ یا این حال حامیان دیدگاه آغاز جنگ با اسرائیل، این باور را تبلیغ می‌کنند که پس از نابودی حماس، نوبت به حزب‌الله و ایران خواهد رسید و در نتیجه تهران باید وارد عمل شود. آیا تحولات سیاسی مانند آنچه در ۷ اکتبر به وقوع پیوست می‌تواند تغییری بنیادین در این زمینه به دنبال داشته باشد؟ قهرمانپور می‌گوید: «به این علت که دکترین رسمی ما به‌صورت عمومی منتشر نشده، نمی‌توان با قطعیت گفت که برای مثال جایگاه مفاهیمی همچون صبر استراتژیک در آن چگونه است. اما برداشت من این است که این مفهوم ارتباطی با دکترین نظامی و دفاعی ایران ندارد و بحث صبر استراتژیک برگرفته از همان دیدگاه‌های آخرالزمانی است که الزاماً در دکترین رسمی ما جایگاهی ندارد. دکترین دفاعی ایران همانگونه که اشاره شد، مبتنی بر دفاع در برابر حملات است و اقدامات پیش‌دستانه در آن وجود ندارد. در همین مقوله دفاع نیز بر توان موشکی تأکید شده است که به دلیل تحریم‌هایی که در حوزه هوایی و دریایی وجود دارد، حوزه موشکی مهمترین و ممکن‌ترین حوزه‌ای بود که کشور در آن حوزه توانسته توان دفاعی خود را افزایش دهد. اگر بخواهیم مقایسه کنیم، در قیاس با حوزه نیروی هوایی و نیروی دریایی، ایران به‌صورت ویژه بر روی افزایش توان موشکی خودش شامل موشک‌های کوتاه‌برد، میان‌برد و دوربرد و نقطه‌زن و حوزه سوخت موشک‌ها سرمایه‌گذاری کرده است. ایران همچنین در حوزه پهپادی، با ساخت انواع پهپادهای انتحاری، تهاجمی و دفاعی تلاش‌اش این است که در راستای دکترین خود، تهدیدها را دفع کند. مسئله دفاع پیش‌دستانه یا دفاع تهاجمی تا امروز در دکترین نظامی ایران جایگاهی نداشته و به نظر می‌رسد هنوز هم جایگاهی ندارد و اینگونه نیست که ایران بگوید در یک نقطه جغرافیایی ممکن است تحولی رخ دهد و در نتیجه تهران اقدام پیش‌دستانه یا حمله پیش‌دستانه در این رابطه صورت دهد. همین‌طور مفهومی که در دولت جورج بوش در ایالات متحده مبنی بر «تعقیب گرم» شکل گرفت و در خصوص گروه‌های ضدآمریکایی در عراق مصداق داشت و خانم رایس گفت دولت آمریکا حق تعقیب گروه‌ها در ورای مرزها را برای خود قائل است نیز در دکترین دفاعی ایران جایگاهی ندارد.»

واقعیات غیر قابل انکار

«انتقام سخت»، کلیدواژه‌ای است که از ۱۳ دی‌ماه ۱۳۹۸ و پس از ترور سردار قاسم سلیمانی، فرمانده وقت نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی توسط ایالات متحده، وارد ادبیات سیاسی کشور شد. بار معنایی همین واژه نیز موجب شد تا این باور در افکار عمومی ایجاد شود که ایران درصدد است تا با جنگی تمام‌عیار با علیه آمریکا رقم زده یا با ترور شخصیتی هم‌تراز با این فرمانده شاخص سپاه، موجب واکنش جدی کاخ سفید شود. چراکه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور وقت آمریکا تهدید کرده بود که «در صورت اقدام تلافی‌جویانه از جانب ایران، ایالات متحده علیه ۵۲ هدف، اقدام خواهد کرد و شامل مراکز فرهنگی هم خواهد شد». آنچه در ۱۸ دی‌ماه و «عملیات عین‌الاسد» و وقوع پیوست، انتقاد تند برخی از طرفداران ورود به جنگ در تهران را به همراه داشت. اما سردار امیرعلی حاجی‌زاده، فرمانده نیروی هوافضای سپاه در ۱۸ آبان‌ماه ۱۴۰۲ در پاسخ به این سوال که چرا ایران بعد از ترور سردار سلیمانی به همه موجودیت آمریکا حمله نکرد و وارد جنگ تمام‌عیار نشد، گفت: «حاج قاسم را زدند. ما بیاییم وارد جنگ شویم؟ شروع کنیم و یک جنگ تمام‌عیار راه بیاندازیم؟ اینکه مثلاً بیاییم پایگاه‌های آن‌ها را یکی‌یکی بزنیم و آن‌ها هم درگیری را شروع کنند. یک زد و خورد سنگین و یک جنگ، حالا بگویید یک ماهه رخ دهد، آیا این منطقی بود؟ یعنی ما به نتیجه می‌رسیدیم؟ خب، بالاخره درگیر می‌شدیم. یکسری از آن‌ها کشته می‌گرفتیم و آن‌ها هم می‌آمدند و یک ۱۰ هزار، ۱۵ هزار نفر -مردم عادی و نظامی- ما را می‌کشند. کشور هم یک آسیبی می‌دید. بالاخره یک ده، پانزده، بیست سال عقب می‌افتاد. این کار منطقی ندارد. بالاخره مسئولین وقتی می‌نشینند دور هم، این نتیجه خوبی نیست برای ما که جنگ راه بیاندازیم». سخنان این فرمانده سپاه هر چند به صراحت به یکی از مهمترین دغدغه‌های حاکمیت پرداخته است و این واقعیت را مورد تأکید قرار می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران پس از جنگ ۸ ساله با عراق و پس از آنکه کشور بلافاصله پس از انقلاب، بسیاری از نیروی انسانی و زیرساخت‌های خود را از دست داد، دیگر تمایل ندارد تا شرایط مشابهی را رقم بزند. نکته دیگر در بیان فرمانده نیروی هوافضای سپاه، موضوع ملاحظات نیروهای مسلح ایران در ورود به جنگی احتمالی با ایالات متحده یا هر کشور دیگری است که پشتیبانی و حمایت واشنگتن را داشته باشد.

عبدالرسول دیوسالار، پژوهشگر مؤسسه تحقیقات خلع سلاح سازمان ملل و تحلیلگر مسائل دفاعی و امنیتی در خصوص این ملاحظات، به هم‌مهمین گفت: «اساساً دکترین نظامی ایران بر این استوار است که چگونه تهدیدهای آمریکا و تهدید اسرائیل را حذف کند؛ به این معنا که ایران از ابتدای سال‌های ۱۳۷۰ به بعد یعنی پس از جنگ ایران و عراق تمرکزش بر تقویت نظام

بازدارندگی با این هدف بود که دیگر وارد جنگ نشود. من معتقدم این تصمیم استراتژیک یعنی عدم ورود به جنگ‌ها به‌عنوان یک تصمیم کلی در ساختار نظامی جمهوری اسلامی ایران تغییری نکرده است و البته نگرانی‌ها نیز در این حوزه رفع نشده است. به این معنا که در صورت شکل‌گیری یک جنگ میان ایران و آمریکا، این ایران است که بیشترین ضربه را می‌بیند و این دغدغه به‌صورت جدی در ایران وجود دارد که در سخنان آقای حاجی‌زاده به‌صورت شفاف بیان شده است. لذا آن گروهی که صحبت از ورود مستقیم ایران به جنگ می‌کنند، منطق استراتژیک حاکم بر ساختار فکری در جمهوری اسلامی ایران را به درستی درک نکرده‌اند. دلیل اصلی این ساختار فکری نیز همان محدودیت‌ها و ملاحظات نظامی ایران است؛ این محدودیت‌ها چند دسته هستند که یکی از محورهای مهم آن این است که ایران محدودیت‌های منابع مالی و منابع اقتصادی برای ادامه یک جنگ دارد و اقتصاد جنگ یک موضوع کلیدی است و برای هر تصمیمی در خصوص آغاز یا پایان جنگ باید مورد توجه قرار بگیرد. این مسئله‌ای است که در سال‌های پس از جنگ ایران و عراق هم به خوبی درک شد. بزرگترین محدودیت نظامی ایران، محدودیت منابعش و اقتصاد نظامی ایران است و دولت ایران ظرفیت ورود و بقا در یک جنگ طولانی مدت و تأمین بلندمدت تسلیحاتی برای یک جنگ بزرگ و طولانی را ندارد و این امر را می‌توان یکی از مهمترین دلایل تهران برای عدم تمایل به ورود مستقیم به جنگ دانست. از طرف دیگر به‌صورت فنی نیز در ایران در حوزه‌های دیگر دارای محدودیت است که به‌طور مشخص محدودیت‌های تکنولوژیک ایران در حوزه جنگ‌های مدرن زمینی و هوایی بسیار زیاد است. به این معنا که جدا از اینکه عوارض جغرافیایی و ساختار سرزمینی ایران می‌تواند به کمک کشور بیابند تا بخشی از این ضعف‌های فنی را حل کند اما نمی‌توان تضمین کرد که ایران بتواند از این ظرفیت برای پیروزی در جنگ بهره بگیرد. به عبارت دیگر این قابلیت زمانی قابل اتکاست که نیروی تهاجمی کشوری بخواهد وارد ایران شود بنابراین این پارامتر برای زمانی که کشور بخواهد در خارج از مرزهای خودش عملیات انجام دهد، صادق نیست. در نتیجه به غیر از توان موشکی و توان پهپادی ایران که میزانی از آن ذخایر باید برای مقابله در برابر تجاوز احتمالی به داخل سرزمین ایران نگاه داشته شود، ظرفیت‌های ایران برای تهاجم ایران به خارج از مرزهای سرزمینی محدود هستند. مفهوم صحبت من این است که حضور مماندار ایران در جنگی مانند غزه، به‌صورت تکنیکی و فنی امکان‌پذیر نیست و تهران ظرفیت بالای انتقال لجستیکی نیروها به آنجا یا استفاده از سایر ابزارهای فنی مانند نیروی هوایی یا نیروی دریایی برای هدف قرار دادن اسرائیل را ندارد. لذا این انتخاب فرماندهان ایران نیست که به چنین جنگی ورود کنند چون می‌دانند ظرفیت لازم وجود ندارد و تنها یک محور از توان دفاعی آن‌ها امکان ضربه‌مناقدار به اسرائیل را دارد و آن صرفاً توان موشکی و پهپادی ایران است و به غیر از آن نیروی هوایی ایران در ایجاد ضربه ناتوان است. بنابراین موضوع محدود بودن نیروی دفاعی ایران به یک عرصه موشکی و پهپادی موجب می‌شود تا آلترناتیوها و انتخاب‌های پیش روی فرماندهان نظامی ایران محدود باشد و این محدودیت موجب می‌شود که آنها به این درک برسند که تصمیم ورود به جنگ می‌تواند تمام ابعاد کشور را درگیر کرده و وضعیت، تبدیل به یک جنگ تمام‌عیار شود. بنابراین تصمیم استراتژیک ایران بر عدم دخالت مستقیم است و این عدم مداخله مستقیم ناشی از این است که نیروی دریایی و هوایی ایران قادر به زدن ضربات دقیق و معنی‌دار نظامی به اسرائیل نیستند و توان موشکی و پهپادی ایران نیز بخشی از ذخایر استراتژیک برای دفاع در مقابل تهاجم احتمالی است و در چنین شرایطی هرگونه تهاجم به خارج از مرزها می‌تواند ریسک بزرگی باشد.»

استاد مطالعات خاورمیانه دانشگاه کانولیکا، همچنین در خصوص تأثیر تحریم و سایر مؤلفه‌ها در ایجاد تفاوت‌های رخ داده در روابط ایران با گروه‌های محور مقاومت در منطقه در سال‌های اخیر نیز گفت: «فکر نمی‌کنم ساختارهای تحریمی چندان تأثیری داشته باشد جز کاهش ظرفیت‌های اقتصادی ایران که می‌تواند ظرفیت حمایت‌های مالی و لجستیکی را کاهش دهد. با این حال آنچه بیشتر بر ساختار تغییر نیروهای مورد حمایت ایران تأثیرگذار بوده، نخست در دوره‌ای بعد از سال ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۱ رخ داد که پس از ترور سردار سلیمانی، سردار قالی‌تواند بر مسئله اشراف پیدا کرده و روابط جدیدی را با نیروهای مقاومت شکل دهد. در این دوره تحول شکل گرفت و موضوع دیگر، بافت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشورهایی است که گروه‌های محور مقاومت در آن‌ها فعال هستند. برای مثال امروز حزب‌الله برخی ملاحظات سیاسی دارد و این ملاحظات در سال‌های اخیر افزایش پیدا کرده است؛ لذا این ملاحظات سیاسی شاید پیش از این کمتر در روابط تهران با گروه‌های مقاومت وجود داشت. امروز حزب‌الله یک حدی از پاسخگویی را نسبت به مردم لبنان نیز حس می‌کند تا بتواند پایگاه اجتماعی خود را بر مبنای عملکرد داخلی شکل دهد. مسئله سوم نیز شاید مرتبط با تغییر الگوی مدیریتی نیروهای محور مقاومت شکل گرفته باشد و تهران بیشتر به دنبال ایفای نقش هماهنگ‌کننده و تسهیل‌کننده میان نیروها است و حالا برداشت این است که با این شیوه می‌تواند ظرفیت بیشتری ایجاد کند تا جایگزینی برای کمبود نیروهای لجستیکی باشد.»

دیپلمات‌ها



خروج از برجام اشتباه بود

وزیر امور خارجه آمریکا در نشست اقتصادی داووس، پاره کردن توافق هسته‌ای ایران از سوی ترامپ را «یک اشتباه بزرگ» تلقی کرد. به گزارش ایسنا، آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا در پاسخ به پرسش‌های توماس فریدمن، ستون‌نویس روزنامه نیویورک‌تایمز در نشست داووس، با اشاره به اینکه برنامه هسته‌ای ایران در زمان اجرای برجام محدود شده بود، گفت: «به نظر من خروج از توافق هسته‌ای ایران یک اشتباه بزرگ بود. ما برنامه هسته‌ای ایران را داخل یک جعبه قرار داده بودیم.» بلینکن با اشاره به خروج دولت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق آمریکا از توافق هسته‌ای در سال ۲۰۱۸ گفت: «از زمانی که این توافق کنار گذاشته شد، از این جعبه خارج شده است. در حال حاضر، به دلیل اینکه دیگر این توافق را نداریم، در موقعیتی قرار داریم که نمی‌خواستیم در آن باشیم.»



ایران به تعهداتش پایبند نیست

رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در حاشیه اجلاس داووس در گفت‌وگو با پایگاه خبری نشنال‌نیوز گفت: «ایران تنها کشور غیرهسته‌ای است که اورانیوم را در این سطح بسیار بسیار بالا و در واقع نزدیک به سطح مورد نیاز برای تولید سلاح، غنی‌سازی می‌کند.» به گزارش جماران وی تأکید کرد: «من نمی‌گویم آنها سلاح هسته‌ای دارند، من می‌گویم که این وضعیت بسیار حساس است. زمانی که در چنین وضعیتی قرار دارید باید قوانین را رعایت کنید.» گروسی گفت: «حتی در فضای متشنج فعلی در منطقه هم فضا برای گفت‌وگو با ایران در براره برنامه هسته‌ای این کشور مهیا است.» مدیرکل آژانس تصریح کرد: «حتی اگر برنامه هسته‌ای ایران برای استفاده غیرنظامی باشد، باز هم تهران به تعهداتی که داده، پایبند نبوده است.» وی گفت: «تهران همچنان براساس ملیت بازرسان حضور برخی از آنها را برای انجام بازرسی‌ها نمی‌پذیرد. این اقدام‌ها با روح کار ما در تناقض است.»

ادامه سر مقاله

متأسفانه در میان این تنش‌های شدید، کشورهایی قرار دارند که از نظر جهانیان مظهر اسلامی بودن هستند. در واقع مسلمانان به‌رغم اشتراک در دین و فرهنگ نه‌تنها نمی‌توانند با یکدیگر تفاهم نسبی کنند، بلکه در تنش دائمی و توقف حتی عقب‌گرد رشد اقتصادی هستند. کافی است به وضعیت افغانستان و پاکستان در شرق ایران نظر بیندازیم و آنها را با هندوستان مقایسه کنیم که چگونه در مسیر پیشرفت قرار گرفته و تفوق خود را به پاکستان از این جهت دیکته می‌کنند و لزوماً داشتن سلاح هسته‌ای؛ نکته‌ای که در فراسوی این منطقه کشورهایی چون مالزی، سنگالادش و اندونزی با حل مسائل خود به توسعه اقتصادی پرداخته و در مسیر رفاه و آرامش مردم خود در حرکت هستند. نکته‌ای که کشورهای منطقه فراموش می‌کنند این است که توسعه هر کدام از آنها مشروط است به رشد و توسعه نسبی کشورهای همسایه. اروپایی‌ها اجازه نمی‌دهند که یک کشور و منطقه بحرانی و عقب‌مانده درون آنها شکل بگیرد چون می‌دانند دیر یا زود مثل ظروف مرتبطه بحران از آنجا به سایر کشورهای همسایه سرریز می‌شود. بنابراین اگر کشورهایی هستند که خود را از این منازعات دور نگه می‌دارند، باید بدانند که به‌سرعت عوارض کشورهای دیگر به آنان سرریز می‌شود، این امر دیر و زود دارد ولی سوخت و سوز ندارد. همچنان که بحران تروریسم در سوریه به‌راحتی به ترکیه و عراق و سپس ایران منتقل شد و این مثل زباله است که عوارض آن به‌خانه‌های همسایگان منتقل می‌شود. بنابراین، معتقدیم که کشورهای اصلی منطقه باید آستین‌ها را بالا بزنند و ضمن حل مسائل داخلی خود در مسیر یک همکاری سازنده قرار گیرند و الا همه زیان خواهند کرد.